



## جاسوسان K.G.B در ایران شاهزاده جاسوس

○ براتعلی طبرزدی

۲۶۷

پنجمین فرزند رضاخان در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۲ در تهران متولد شد که نامش را غلامرضا گذاشتند.

تحصیلات ابتدایی اش را در تهران آغاز کرد و آن را به همراه سایر برادرانش در مدرسه لوروزه سوئیس پی گرفت و پس از دو سال به گواهی اسناد به جای مانده از مدرسه، ناموفق به ایران بازگشت و به دانش آموزان دبیرستان نظام، پیوست.

غلامرضا پس از تبعید رضاخان و اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، همچون دیگر برادرانش - بجز محمدرضا - به همراه پدر به آفریقای جنوبی رفت و پس از مرگ او، راهی آمریکا شد و در مدرسه پرینستن به تحصیل ادامه داد.

یک سال اقامت تقریباً اجباری در آمریکا را سپری کرد تا اجازه بازگشت به ایران را از محمدرضا گرفت و در دانشکده افسری به تحصیل پرداخت و... در سال ۱۳۵۰ به درجه سرتیپی رسید.

### مشاغل مهم

مشاغل مهمی که دربار به او تفویض کرده بود، عبارت بودند از: ریاست کمیته المپیک، باشگاه سوارکاران، آجودان ویژه شاه، رئیس بازرسی ویژه ستاد فرماندهی عالی، عضویت در

## خلاصه مطالبات آرایشی

شورای نیابت سلطنت . وی به عنوان یک مقام رسمی نظامی در مهمانیهای داخلی و خارجی به نیابت از محمدرضا پهلوی حضور می یافت .

غلامرضا دوبار ازدواج کرد. در سال ۱۳۲۶ با هما اعلم دختر امیراعلم ، پزشک پدرش پیوند زندگی بست که پس از چندی به جدایی انجامید و سپس با منیژه جهانبانی دختر سرلشکر منصور جهانبانی ازدواج نمود.

خاطره نگاران و مورخین و حتی اسناد، در مورد دو ویژگی اخلاقی غلامرضا متفق القول هستند : پول پرستی و خست ؛ به طوری که به او لقب هارپاگون ، شخصیت «خسیس» در نمایشنامه «مولیر» را داده بودند. بعضاً او را بی بو و خاصیت و فاقد شخصیت معرفی کرده اند؛ و همین خصایص اخلاقی او را به پست ترین کارهای ممکن از جمله جاسوسی برای کشورهای بیگانه تنزل داد. او برای پول ، وطن فروشی کرد؛ و این جدا از فعالیتهای اقتصادی اش بود که با فرصت طلبی از عنوان شاهزادگی در شرکتهای گوناگون خارجی و ایرانی ، در امر شهرک سازی ، تأسیس کازینو ، تأسیس شرکتهای تجاری و بازرگانی و هر فعالیت دیگری که جنبه سودآوری داشت ، حاضر می شد. حتی برای دستیابی به پول بیشتر به لژ فراماسونری پیوست و برای رسیدن به مقام استاد اعظمی کوشید.

۲۶۸

## فعالیتهای اقتصادی

غلامرضا فعالیتهای اقتصادی خود را عمدتاً به شکل سوءاستفاده از بحران مسکن و شهرسازیهای خلاف مقررات شهرداری انجام می داد.

او در شرکتهایی چون : کارخانجات آزمایش ، ریسندگی بافندگی کرج ، کارخانجات نورد و پروفیل ساوه و چند شرکت دیگر<sup>۱</sup> مشارکت داشت . در معاملات و قراردادهای خارجی در حد امکان اعمال نفوذ می کرد و این نکته مورد توجه سازمانها و معامله گران خارجی نیز بوده است . غلامرضا در پاییز سال ۱۳۵۷ — چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی — به همراه خانواده به انگلستان رفت و پس از مرگ محمدرضا در سال ۱۳۵۹ از حضور در تشییع جنازه او در مصر به بهانه نداشتن پول بلیت هواپیما خودداری کرد .

در حال حاضر غلامرضا پهلوی در محله میلیاردرهای معروف آمریکا (بورلی هیلز - لوس آنجلس) در ویلای مجللی بر بالای تپه ای مشرف به هالیوود زندگی اشرافی و شاهانه ای دارد . او مالک امپراتوری بزرگی از شرکتهای و مؤسسات پولساز در آمریکا و اقصی نقاط جهان است که اداره آنها را بهمن فرزند ارشدش عهده دار است .

## چند خاطره

یک نفر به او گفته بود که به فراماسونهایی که بعد از انقلاب به خارج آمده اند ماهی صد دلار کمک مالی می شود و عجباً که او به این در و آن در زده بود که این پول واهی را وصول کند و ظاهراً بعد از مراجعه به او گفته بودند که سر به سرش گذاشته اند.<sup>۲</sup>

گزارش دادم که شرکت هواپیماسازی گرومان پیشنهاد کرده که از والا حضرت غلامرضا در سفر آینده اش به ایالات متحده پذیرایی کند. این شرکت متهم به رشوه دادن به تعدادی از هم ولایتیهای ما به منظور افزایش فروش است و ابداً صلاح نیست که والا حضرت دعوت آنها را بپذیرد.

شاه گفت: به او بگویید نرود. به خاطر چند دلار گندیده برای ما بی آبرویی به بار می آورد.<sup>۳</sup>

ملکه مادر (تاج الملوک) که با سرطان دست و پنجه نرم می کرد در نیویورک دارفانی را وداع گفت و هیچ یک از این خواهر و برادرها حاضر نشدند جنازه آن نگونبخت را از روی زمین بردارند! در نتیجه دخترم (فرح) با آن که دل خوشی از تاج الملوک نداشت ۱۲ هزار دلار برای غلامرضا پهلوی حواله کرد تا خرج کفن و دفن ملکه مادر کند. بعد شنیدیم غلامرضا ۱۲ هزار دلار را به جیب زده و با مراجعه به شهرداری نیویورک و ثبت نام در فهرست فقرا و استفاده از قانون شهرداری جنازه مادرش را بدون تشریفات و در گورهای دسته جمعی دفن کرده است.<sup>۴</sup>

۲۶۹

## حق العمل کاری یکی از شاهپورها

ماجرا از آنجا شروع شد که سرتیپ منوچهر هاشمی مدیرکل ضدجاسوسی ساواک با اشاره به جاسوسی یکی از شاهزادگان نوشت:

«یکی از معاملاتی که وزارت کشاورزی ایران با اداره بازرگانی رومانی داشت، قرارداد خرید ده هزار دستگاه تراکتور از قرار هر دستگاه ۱۴ هزار تومان بود.» بر اساس خبری که به اداره ضدجاسوسی ساواک رسیده بود، قرار بود ۷٪ کل مبلغ به عنوان حق دلالی، به یکی از شاهپورها داده شود. رئیس اداره پایاپای وزارت اقتصاد که بر حسب مسئولیت و وظیفه اداری با کشورهای کمونیستی سر و کار داشت، بنا بر سابقه فعالیت کمونیستی خود، می دانست که ساواک همیشه مراقب اوست؛ در نتیجه برای حفظ موقعیت خود با ساواک (اداره ضد جاسوسی) همکاری می کرد. این شخص روزی به رابط خود در اداره ضد جاسوسی مراجعه و مبلغ پنجهزار دلار ارائه می کند و اظهار می دارد: بر مبنای قراردادی که بین وزارت کشاورزی و بازرگانی رومانی درباره خرید ده هزار دستگاه تراکتور منعقد گردیده است، قرار شده بود بازرگانی رومانی ۷٪ مبلغ معامله را به شاهپور پرداخت نماید! چون اولین محموله تراکتور مورد معامله به گمرک جلفا رسیده و بازرگانی رومانی بهای آن را دریافت کرده است، مارگو،

## خلاصه مطالبات آریض

رئیس بازرگانی سفارت رومانی مبلغ پنجاه هزار دلار به من داده که به شاهپور تحویل دهم. من آن پول را به شاهپور تقدیم کردم و ایشان ده درصد، یعنی پنج هزار دلار آن را به عنوان حق الزحمه به خود من برگرداند.

اینک این پنجاه هزار دلار را تحویل ساواک می دهم و مراتب را هم آن چنان که بوده اطلاع می دهم که مسئولیتی متوجه من نباشد. در ضمن، این شخص در جواب این سؤال که چرا ساواک را قبلاً در جریان نگذاشته بودی گفت: فکر می کردم وزیر در جریان است و طرح این مسئله توسط من لازم نیست. به هر حال بر مبنای گزارش رئیس اداره پایاپای وزارت اقتصاد، گزارشی تهیه و به ریاست ساواک ارائه شد.

گزارش ارائه شده به ریاست، به اداره ضدجاسوسی اعاده نشد و تصور ما این بود که بنا به اهمیت مسئله، موضوع تحت رسیدگی دقیق است. تا اینکه جریان امر عیناً تکرار شد و پس از مدتی رئیس اداره پایاپای با پنجاه هزار دلار دیگر مراجعه کرد و گفت: این مبلغ هم از محل پنجاه هزار دلار دوم حق دلالی بابت پارتنی دوم تراکتورهای رسیده به جلفاست.

در گزارش دومی که به عنوان رئیس ساواک - ارتشبد نعمت الله نصیری - تنظیم کردم، یادآور شدم در سلسله مراتب اداری چندین نفر از جریان مطلع شده اند و کلاً منتظر نتیجه و عکس العمل مقامات کشور در این مورد هستند. به علاوه مبلغ ده هزار دلار باید به رئیس اداره پایاپای برگردانده شود.

۲۷۰



مصلحت نیست که این گزارشها بلاجواب بماند و یا در مورد آنها اقدامی صورت نگیرد. رئیس ساواک که گویا موضوع را در یکی از شرفیابها به عرض رسانده بود، جواب داد «رئیس دفتر شاهپور از کار برکنار شد و مقرر فرمودند به شاهپور ابلاغ شود، مصلحت نیست از کشورهای کمونیستی به این صورت، رشوه یا حق دلالی گرفته شود.»

رئیس ساواک ضمناً دستور داد مبلغ ده هزار دلار به رئیس اداره پایاپای برگردانده شود و به او تذکر داده شود، شما نمی‌بایستی واسطه این عمل خلاف می‌شدید. او اضافه کرد در مورد «کمیسونی» که شاهپور گرفته به کارمندان گفته شود، «تجارت آزاد است و خانواده سلطنتی هم مانند سایر مردم می‌توانند تجارت بکنند. ضمناً بهتر است کادر اداره ضد جاسوسی وقتشان را صرف مسائل تجاری ننمایند.»

مدتی از این جریان گذشت تا اینکه رئیس اداره پایاپای تقاضای ملاقات نمود. چون چندین بار مراجعه و اصرار کرده بود که با شخص مدیر باید ملاقات نمایم، او را در یکی از خانه‌های امن ملاقات نمودم. او که بسیار ناراحت می‌نمود، ابتدا به ساکن گفت: «تیمسار سبب سرخ برای دست چلاق خوب است؟» پرسیدم: «منظورت چیست؟» گفت: «رئیس اداره بازرگانی سفارت رومانی گفته: «شاهپور پیغام داده حق دلالی او در پاریس پرداخت شود. قرار است او دو روز دیگر به پاریس برود و نماینده ما در آپارتمانی در خیابان فوش، پول را به ایشان پرداخت نماید. منظور من از گزارشهای قبلی این بود که جلو این قبیل ساخت و پاختها گرفته شود. نه فقط این طور نشد، بلکه به این ترتیب مختصر درآمدهای هم که من بابت آن همه زحمت و خون دل خوردن به دست می‌آوردم قطع شد و بعد از این، آن پول بدون هیچ دردسری در پاریس تحویل داده خواهد شد.» من او را استمالت کرده و دعوت به سکوت نمودم. همان روز به بخش فرودگاه دستور دادم، اگر ظرف دو روز آینده شخصی از خانواده سلطنتی از ایران خارج شد، اطلاع دهند. دو روز بعد گزارش رسید شاهپور به پاریس پرواز نمود. چند روز بعد هم مراجعت ایشان اعلام شد.

این مسافرت چند بار تکرار شد و هر بار هم رئیس ساواک در جریان قرار گرفت، ولی هیچ عکس‌العملی مشاهده نشد. پس از مدتی ایشان مرا احضار کرد و اظهار داشت: کنت دومارانش، رئیس سرویس اطلاعاتی فرانسه، به وسیله نمایندگی مستقر در تهران اطلاع داده که حضور رئیس اداره ضد جاسوسی ساواک در پاریس ضروری است. خواسته است که رئیس این اداره هر چه زودتر به پاریس برود تا او موضوع مهمی را با وی در میان بگذارد. رئیس ساواک دستور داد، بلافاصله به پاریس بروم و به همراه نماینده ساواک در پاریس، با رئیس ضدجاسوسی سرویس فرانسه ملاقات و نتیجه را در مراجعت گزارش نمایم. در ملاقاتی که با رئیس ضدجاسوسی

## مجموعه مطالعات تاریخی

فرانسه انجام گرفت ، اظهار داشت : «سرویس آنها در سرویس اطلاعاتی رومانی مأمور نفوذی دارد. این مأمور نفوذی گزارش کرده است : سرویس رومانی در دربار ایران نفوذ کرده و از آن رهگذر اطلاعات مهمی به دست می آورد. با توجه به مراتب همکاری که بین سرویسهای اطلاعاتی فرانسه و ایران است ، من جریان را به شما اطلاع می دهم . حال خود شما هر روشی دارید با هر گونه اقدامی که مقتضی می دانید انجام دهید.»

من هر چه اصرار کردم که اطلاعات بیشتری در این باره بدهد ، یا مشخصات فرد درباری را روشن تر بگوید ، چیزی نگفت . اظهار داشت خبر رسیده در همین حدی است که گفتم . چنانچه در آینده خبر دیگری به دست آمد ، یا اطلاع بیشتری کسب شد ، شما را در جریان قرار خواهیم داد. در مراجعت به ایران مراتب را به اطلاع ریاست ساواک رساندم و گفتم : «تصور من این است که ماجرا به حق العمل گیری شاهپور مربوط می شود.» پرسید : «منظورت چیست .» گفتم : «به طوری که قبلاً هم گزارش شده بود ، مدتی است که شاهپور حق دلالتی خود از اداره بازرگانی رومانی را در پاریس دریافت می کند. چون این دریافتها در فواصل معینی صورت می گیرد و شاهپور هم در هر بار به پاریس می رود و برای دریافت پول با نماینده دولت رومانی ملاقات

۲۷۲



می کند، این امر از نظر سرویس اطلاعاتی فرانسه نادیده نمانده است. ولی چون آنها از دلایلی شاهپور خبر ندارند، خیال می کنند ملاقات شاهپور با نماینده دولت رومانی مربوط به امور جاسوسی و مسائل پنهانی دیگر است، رئیس ساواک، ارتشید نصیری، کمی به فکر فرو رفت. احساس کردم در یک فشار سنگینی قرار گرفته است و جرأت هم ندارد که چگونگی مسئله را به عرض برساند.<sup>۵</sup>

متأسفانه سرتیپ هاشمی از ذکر نام این شاهزاده جاسوس خودداری می کند غافل از اینکه اسنادی از جاسوسی شاهزاده در اداره کل هشتم وجود دارد. چون سرتیپ هاشمی بعد از برکناری نصیری از ریاست ساواک در سال ۵۶ جای خود را به سرتیپ کاوه می دهد می توان احتمال داد که از وجود چنین سندی مطلع نبوده است.

سند حاضر که در روزهای آخر عمر رژیم پهلوی توسط اداره ضد جاسوسی ساواک تنظیم شده است به رازی مهم اشاره می کند که دیگر امکان رازگشایی آن برای دستگاه از هم پاشیده سازمان اطلاعات امنیت کشور وجود نداشت. این سند پرده از جاسوسی یک شاهزاده برمی دارد که آن کسی نیست جز غلامرضا پهلوی. در آن هنگام، این شاهزاده به خارج از کشور گریخته بود و محمدرضا نیز یک ماه پس از او، از ایران گریخت. این سند که برای اولین بار منتشر می شود، امید است راهگشای محققان تاریخ معاصر باشد.

۲۷۳

به کلی سری

مورخه ۱۳۵۷/۹/۱۵

به: تیمسار ریاست ساواک

از: اداره کل هشتم

موضوع: والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی و بیژن جهانبانی<sup>۶</sup>

محترماً به عرض عالی می رساند.

در مهرماه سال ۵۷ سرویس اطلاعاتی فرانسه<sup>۷</sup> اطلاع داد که یکی از خاندان جلیل سلطنت که در سال ۱۳۳۹ در حدود ۳۰ سال داشته و مسئول امور جوانان و ورزش کشور ایران بوده با سرویس اطلاعاتی شوروی<sup>۸</sup> همکاری دارد که پس از بررسیهای لازم و جمع آوری قرائن مشخص شد که به احتمال زیاد این مأمور، والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی است که مراتب مشروحاً به عرض رسید و مقرر گردید که مراقبتهای لازم به عمل آید.

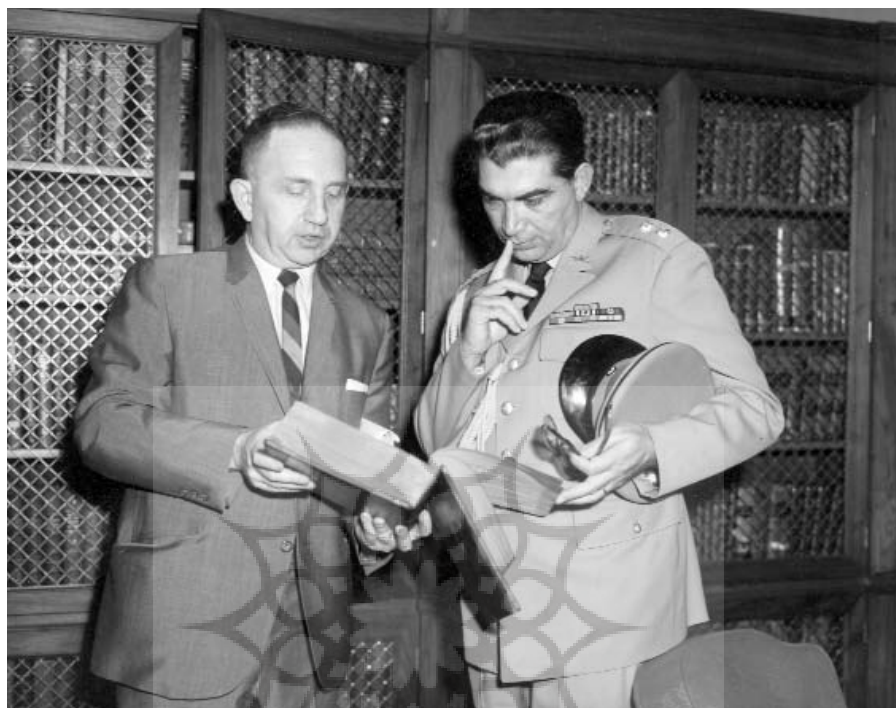
در اجرای اوامر صادره بر جمع آوری سوابق موجود تلفنهای دفتر والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی که رئیس دفتر آن تیمسار گیلانشاه می باشد تحت کنترل قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید.

## خلاصه مطالعات تاریخی

- ۱- نتیجه کنترل تلفن مورخه ۵۷/۹/۸ دفتر شاهپور غلامرضا پهلوی حاکی است که یکی از اتباع شوروی با استفاده از تلفن دفتر مزبور در بازرگانی شوروی با شخصی به نام نیکلاویچ شوالف مذاکره نموده و برای بیژن جهانبانی با وی قرار ملاقات گذاشته است.
  - ۲- سوابق موجود از بیژن جهانبانی حاکی است که مشارالیه از رابطین K.G.B در ایران است و با بوریس چیچرین<sup>۹</sup> افسر اطلاعاتی K.G.B که از ایران رفته است تماس داشته و از طرف ستاد K.G.B به چیچرین دستور داده شده بود که ضمن تماس با جهانبانی به او بگوید که اطلاعاتی را که به K.G.B داده فاقد بهره می باشد.
  - ۳- نمایندگی ساواک در کشور فرانسه در سال ۵۵ اطلاع داده بود، جهانبانی در چند سال قبل به منظور شرکت در کمیسیون اقتصادی به شوروی دعوت می گردد و با چند دختر روسی که همگی از عوامل K.G.B بوده اند به سر می برد.
  - ۴- بیژن جهانبانی در تاریخ ۷/آبان/۵۷ نیز به مدت یک هفته در شوروی بوده است.
- نظریه :
- (۱) - در مورد بیژن جهانبانی سوابق امر نشان می دهد که محتملاً مقامات شوروی نامبرده را در سال ۱۳۵۵ که به مسکو مسافرت نموده بود به استخدام خود درآورده اند.







(۲) - بیژن جهانبانی با والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی در کارخانه ریسندگی و بافندگی کرج شریک می باشد و از طرفی این کارخانه از چند سال قبل تا به حال محصولات خود را به شوروی می فروشد و احتمال دارد که بیژن جهانبانی از طریق والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی که از سال ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ با کادر اطلاعاتی بازرگانی شوروی تماسهایی داشته اند به شورویها معرفی شده باشد.<sup>۱۰</sup>

(۳) - ملاقاتهای تیمسار گیلانشاه<sup>۱۱</sup> با گناوی کازانکین معاون نمایندگی K.G.B در ایران جالب توجه است و بعید نیست گیلانشاه در جریان کیفیت روابط والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی با شورویها بوده باشد و به نظر می رسد که سرویس اطلاعاتی شوروی به منظور انجام مقاصد خاص خود با کلیه افرادی که به نحوی با شاهپور غلامرضا پهلوی رابطه دارند ارتباطاتی برقرار نموده است .

(۴) - با توجه به مفاد اطلاعیه سرویس فرانسه و سوابق موجود مبنی بر تماس مستمر افسران اطلاعاتی شوروی تحت پوشش معاملات بازرگانی با شاهپور غلامرضا پهلوی چنین به نظر می رسد که مأمور K.G.B در دربار شاهنشاهی باید والاحضرت شاهپور غلامرضا پهلوی باشد.

## خلاصه مطالبات ناریش

### پیشنهاد :

چون والا حضرت شاهپور غلامرضا پهلوی در خارج از کشور به سر می برد و امکانات کافی جهت کنترل فعالیتهای ایشان وجود ندارد و از طرفی بیژن جهانبانی و تیمسار گیلانشاه به احتمال قوی در جریان نحوه ارتباط ایشان با شورویها می باشند لذا در صورت تصویب پیشنهاد می گردد :

الف) در مورد انجام عملیات میکرو فن گذاری یا نصب فرستنده در دفتر والا حضرت بررسی و در صورت امکان اقدام شود.

ب) از تیمسار گیلانشاه و بیژن جهانبانی عملیات تعقیب و مراقبت به عمل آید و کیفیت فعالیت آنان مشخص گردد.

صدور هر گونه نظریه موکول به رأی عالی است .

رئیس بخش - فراز

معاون عملیاتی - فاضل علوی

سرپرست اداره کل - آصفی

بند ب درباره بیژن جهانبانی -

مراقبت درجه ۱ و درباره گیلانشاه مراقبت درجه ۲ انجام شود. ۹/۱۶

مراتب فوق به رهبر عملیات اجرا کننده طرح ابلاغ گردید. ۹/۲۱

۲۷۶

پس از تنظیم این سند همان گونه که خواندید سپهبد ناصر مقدم آخرین رئیس ساواک ذیل سند دستور مراقبت از گیلانشاه و جهانبانی را می دهد و فردی به نام طیبی زاده از مأموران اداره کل ضد جاسوسی مأمور این کار می شود ولی طبق دو سندی که می خوانید دیگر امکان هیچ گونه عملیات اطلاعاتی وجود نداشته ، شالوده دستگاه اطلاعاتی از هم گسیخته بود .

### درباره بیژن جهانبانی عضو هیئت مدیره کارخانه ریسندگی کرج

برابر اطلاع واصله نامبرده در مسافرتها متعددی که به شوروی به عمل آورده مورد توجه مقامات سرویس K.G.B قرار گرفته و به احتمال زیاد همکاری وی جلب گردیده است . لذا مقرر گردید مدتی مراقبت از نامبرده به عمل آید و فرم کنترل تلفن نیز تنظیم گردید لکن با توجه به امکانات در شرایط حاضر عملیات متوقف گردید...

درباره آقای عباس گیلانشاه رئیس دفتر والا حضرت شاهپور غلامرضا

برابر اطلاع واصله نامبرده با عوامل سرویس K.G.B در ارتباط بوده است. لذا به منظور شناسایی

کامل وی و پی گیری عملیات، اقدامات زیر صورت گرفت.

۱- تلفن محل سکونت سوژه تحت کنترل قرار گرفت.

۲- تلفن محل کار سوژه تحت کنترل قرار گرفت.

۳- محل سکونت سوژه شناسایی شد.

لکن به علت عدم امکانات با توجه به وضع حاضر کلیه اقدامات متوقف گردید.

## پانوشتها

۱- آن شرکتها از این قبیل اند: تمیشان، اینداستریال هومز اینترنشنال، کشت و صنعت آجی، پارس شهر، سبزدشت، تولیدی سیاک، کلوپ ورزشی دریا کنار، شرکت خدمات سرمایه گذاران ماورأ بحار، سرمایه گذاری در بانک چیس مانهاتان و شرکت سهامی خاص کالای الکترونیک.

۲- مسعود انصاری، احمدعلی، من و خاندان پهلوی، ص ۱۳۱.

۳- علم، اسدالله، گفتگوهای من با شاه، تهران ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۹۳.

۴- دیبا، فریده، دخترم فرح (خاطرات)، تهران، نشر به آذین، ۱۳۸۱، چاپ دهم، ص ۵۰۶.

۵- ر. ک: سرتیپ هاشمی، منوچهر، داوری- سخنی در کارنامه ساواک، صص ۵۱۴-۵۱۸.

۶- بیژن جهانبانی فرزند منصور، به سال ۱۳۱۶ در تهران و در یک خانواده قجری متولد شد. او برادر منیژه جهانبانی همسر غلامرضا پهلوی است. از سوابق تحصیلی او چیزی در دست نیست. آنچه مسلم است وی همکاری خود را با غلامرضا پهلوی به عنوان شریک و وکیل در دهه ۱۳۴۰ آغاز کرده و تا پیروزی انقلاب ادامه داده و عمده معاملات اقتصادی بین آن دو، صرفاً فروش تولیدات کارخانه ریسندگی و بافندگی کرج به شورویها بوده است و در این جهت سفرهای متعددی به آن کشور کرده و مدت ۱۲ سال این سفرها را ادامه داده است. اولین سفر او در تاریخ ۴۶/۶/۱۴ به همراه امیر اخوان جهت شرکت در نمایشگاه و انجام معاملات بازرگانی بوده است. با وجود گزارش اداره کل هشتم ساواک هیچ گونه تحقیقی نسبت به سفرهای او به شوروی انجام نمی شود. طبق اسناد موجود جهانبانی سمت رسمی معاونت دفتر غلامرضا را عهده دار بود و در سال ۵۳ به عضویت باشگاه عصر وابسته به لژ ماسونی درآمد است.

۷- سرویس اطلاعاتی فرانسه: سازمان جاسوسی فرانسه ۲۴۲ سال جوانتر از اینتلجنس سرویس انگلیس، در سال ۱۸۱۵ به دستور ناپلئون بنا نهاده شد. اولین رئیس آن ژوزف فوشیه یک راهب مسیحی و از نزدیکان ناپلئون بناپارت بود که بعدها اسیر ثروت شد و در ازای پول اسرار کشور را به بیگانگان فروخت و زمینه سقوط ناپلئون را مهیا ساخت. آخرین رئیس آن، تا زمان بررسی این سند (۱۳۵۷) الکساندر کنت دومارانش بود که پیش از آن یک سرهنگ ارتش فرانسه بود. او نیز پول پرستی را به جایی رساند که حاضر شد در قبال دریافت پول نسبت به از میان برداشتن آیه الله خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران که در آن زمان در پاریس مستقر شده بود اقدام کند و اگر نبود جواب محمدرضا پهلوی که، به او بگوید: «ما دیگر پول نداریم». چه بسا در مهد آزادی و به اصطلاح حقوق بشر، رهبر آزادی بخش ملت ایران به مسلخ برده می شد.

## مختصانه مطالعات تاریخی

۸- K.G.B: واژه اختصاری است که مفهوم آن «کمیته امنیت دولتی» است و نام رسمی سازمان اطلاعاتی و جاسوسی اتحاد جماهیر شوروی سابق که در سال ۱۹۱۷ به وجود آمد و بعضی از شخصیت‌های درجه اول شوروی از قبیل آندروپوف پیش از رهبری شوروی رهبر این سازمان اطلاعاتی و امنیتی بوده‌اند.

۹- بوریس چیچرین: سر تیپ منوچهر هاشمی در کتاب «داوری، سخنی در کارنامه ساواک» در مورد بوریس چیچرین می‌گوید:

«یک بار یکی از مأمورین ضد جاسوسی، در مناسبتی، با پوشش یک ایرانی مرفه، با یکی از افسران کی. جی. بی. به نام چیچرین رابطه دوستی برقرار کرده و آمد و شد زیادی با او ایجاد نمود. این افسر روسی از نظر مأمورین ما جزو آن دسته از افسرانی به حساب می‌آمد که آسیب‌پذیر می‌نمایند. بدین جهت مدت‌ها روی او کار شد و دوستی مأمور ایرانی با او بر اساس همان برنامه مورد نظر پیش رفت. در یکی از ملاقات‌های دوستانه در ویلایی که در اختیار مأمور ضد جاسوسی قرار داشت، دو نفر از مأموران ساواک به عنوان دوستان نزدیک صاحبخانه (مأمور) وارد می‌شوند و پس از صرف مشروب و اختلاط دوستانه، طبق طرحی که ریخته بودند، به چیچرین پیشنهاد همکاری می‌کنند، ولی موفق نمی‌شوند. سپس سعی می‌کنند با معرفی خود در صدد برآیند با تظاهر به مچ‌گیری آنها، مأمور روسی را تحت تأثیر قرار بدهند. ولی او باز هم قبول نمی‌کند و به هیچ وجه زیر بار نمی‌رود و ماجرا به سادگی پایان می‌یابد. (داوری، سخنی در کارنامه ساواک، صص ۴۴۲-۴۴۳). ولادیمیر کوزیچکین افسر کی. جی. بی. در ایران که در تابستان ۱۹۸۲ از طریق مرز ترکیه به غرب گریخت، این ماجرا را در صفحه ۱۹۲ کتاب خود این چنین بیان می‌کند:

«بوریس چیچرین، یکی از افسران شعبه بی. آی. تحت پوشش خبرنگار تاس در ایران کار می‌کرد. او با یک ایرانی رابطه برقرار کرده و در صدد جلب همکاری او برآمده بود. چیزی نمانده بود که کار به نتیجه برسد، ولی چندی بعد در یکی از ملاقات‌هایش در ویلای او که در خارج از شهر قرار داشت، ناگهان دو شخص ناشناس وارد و خود را از اعضای ساواک معرفی می‌کنند. اما آنها هیچ کدام را دستگیر نکردند و همه چیز مؤدبانه برگزار شد. البته دو مأمور ساواک خیلی ساده به افسر ما پیشنهاد همکاری دادند و چیچرین پیشنهاد آنها را رد کرد. مأمورین ساواک از آن محل خارج شدند و حادثه خاصی روی نداد. این واقعه نشان می‌داد که تمام دوران آشنایی افسر ما با آن ایرانی را «که کاشته بودند» هیچ کس متوجه نشده بود. در حالی که هم رزیدنسی و هم مرکز می‌بایستی این رابطه را کاملاً تجزیه و تحلیل می‌کردند. بوریس چیچرین از ایران خارج شد، بی‌آنکه سر و صدایی در روزنامه‌ها بلند شود. البته این سر و صداها بعداً بلند شد.»

۱۰- در گزارش دیگری که به تاریخ ۳۰/۱۰/۴۸ به اداره کل هشتم (ضد جاسوسی) ساواک رسیده است چنین آمده: «به قرار اطلاع، کارخانه ریسندگی و بافندگی کرج متعلق به شاهپور غلامرضا پهلوی بوده و ایوان کارگالف معاون اداره بازرگانی شوروی و رئیس سرویس اطلاعات نظامی شوروی در ایران به یکی از منابع این اداره کل اظهار داشته است که شاهپور غلامرضا در نظر دارد محصولات کارخانجات خود را به وسیله اخوان به ما بفروشد و ما در این امر نیز به ایشان کمک می‌نماییم.»

۱۱- عباس گیلانشاه فرزند ابوالفتح یلانشاه (نظم السلطنه) در سال ۱۲۸۶ ش در تهران متولد شد. پس از طی تحصیلات متوسطه و دوره دانشکده افسری در سال ۱۳۱۸ به دستور رضاشاه، منشی ولیعهد (محمد رضا پهلوی) گردید و در سال ۱۳۲۳ به رئیس دفتری فوزیه، ملکه وقت منصوب و از سال ۱۳۲۸ رئیس دفتر غلامرضا پهلوی گردید و با حفظ سمت عضو شورای عالی هواپیمایی، آجودانی شاه و مدیر کل وزارت دربار شد. گیلانشاه در طول دوران خدمت خود به پهلویها چند نشان با درجات مختلف دریافت کرد و در سمت وکیل غلامرضا پهلوی در کلیه مراحل با او همراهی نمود. در فهرستی که تحت عنوان انتقال دهنده ارز به خارج از کشور قبل از پیروزی انقلاب، منتشر شد، نام وی به عنوان انتقال دهنده ۲۲ میلیون تومان به چشم می‌خورد. وی با پیروزی انقلاب اسلامی به خارج از کشور گریخت.

## بگلی سری

به: بیت ریاست ساواک  
از: اداره عمل بیستم

موضوع: ۱۳۵۷، ۹، ۱۵

موضوع: والا حضرت شاهپور غلامرضا بیگلی و برین جهانباغی

موضوع: کتب و اسناد

در بهرام سال ۵۴ مردی اطمینان حاصل فرموده که خانان جیل سلطنت که در سال ۱۳۴۹ در حدود ۵۰ سال دانسته و مسئول امور جهانباغی و وزیر کشور بوده، با سردی اطمینان شهودی بهکاری دارد که در این مورد بررسی می لازم و هیچ آگهی قرآن شهنشاه که با احوال و یاد این مأمور والا حضرت شاهپور غلامرضا بیگلی است که مراتب شده و حال بررسی رسید و مستقر در آنجا که مراقبت می لازم بود این آیه.

در اجرای امر صادره علاوه بر جمع آوری اسناد موجود در این مورد والا حضرت شاهپور غلامرضا بیگلی که در این دفتر آن بیت ریاست در میان است کنترل قرار گرفت و نتایج زیر حاصل گردید:

۱- نتیجه کنترل دفتر مورخه ۵۷، ۹، ۸ دفتر شاهپور غلامرضا بیگلی حاکیست که کمی از اشیاء خودی با استفاده از دفتر دفتر ترابری در این شهر و همچنین نام سیکردیج شوالف بنا کرده و برای برین جهانباغی بادی و در دست داشته است.

۲- اسناد موجود در برین جهانباغی حاکیست که شماره لیزرا طبعین ۲۰۰۵۵ در این است و در برین جیبین است اطمینان حاصل ۲۰۰۵۵ که در این دفتر است نام داشته و در طرف سناد ۲۰۰۵۵ جیبین در سناد داده شده بود که همین نام جهانباغی با اطمینان که اطمینان حاصل که ۲۰۰۵۵ داده نامیده می باشد.

۳- نامیدی ساواک در کشور فرانسه در سال ۵۵ اطمینان داده به جهانباغی که چند سال قبل بمبلیو ترابری در کشور فرانسه

بگلی سری

### بگلی سری

ایشان وجود دارند و در طایفه بزرگ جهانی ویتا ریلوایت ه با حال قوی در هر حال همه در سالی ایشان  
 با خود در دنیا می نشینند لذا در حضرت تعزیر استنهاوی کردند  
 این در سوره انعام مجید است بگردش که روی با صفت فرستاده در دفتر و لا حضرت بر روی در حضرت اعلان اندام شود  
 ب - در وقت ریلوایت ه و نیزین جهانی میسرتتیت در وقت معل آید کیفیت مناسب آنان منوع گردد  
 حدود در گذشته نظر بر مکرر برای حالت

نویسند در باره بزرگ جهان  
 در وقت در ج ۱ در باره گواش  
 در وقت در ج ۲ انجام شود  
 ۹۱۱۶

ببین سخن فرزند  
 سران مجید  
 نام علی علی  
 برات ادر کل آصفی

راست لوتو: معتمد اوکان سنن طبع اندام  
 گور ۹۱۲۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 برتال جامع علوم انسانی

بگلی سری

سری

درباره - برین چنانچه عضو هیئت مدیره کارخانه نساجی لاجان

برابر اصداف واحد نامبرده در مسافرت است و می گویند که به گوردین لاجان آمده بود  
توجه شد است که در KGB دارای نام و هویت است و در کارخانه نساجی لاجان  
کار می کرد لذا متوجه شدیم که در این کارخانه نساجی لاجان در زمان  
کنترل نفوذ نیز تنظیم و در این کارخانه نساجی لاجان در کار  
حافظ عین است و متوجه شدیم که در این کارخانه نساجی لاجان

*[Handwritten signature]*

پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱۰



باشگاه عصر

۱۲۴۷

تاریخ صدور: ۱۳۸۸  
محل صدور: تهران  
برداشت روزنامه باشگاه عصر تقاضای عضویت

نام تقاضا کننده: هوش

نام فامیل: هوش

شماره شناسنامه: ۸۸

تاریخ تولد: ۱۳۶۸ محل صدور: تهران

شغل: معاون دفتر و امور محاسبی

آدرس: تهران، خیابان...

شماره حساب بانک و نام بانک: بانک ملت (شعبه تهران)

۴۹۰

شماره تلفن: ۴۷۸۹۹

محل امضاء:

کتابخانه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲۸۹  
۱۲۰  
۵۴۳۳۹

محل امضاء:

محل امضاء:

طرح فصل کار: ۲  
شماره ثبت: ۵۳۶۵۱۲



سری

درباره آقا عباس عبدی گدیوانی، رئیس دفتر و لایحه  
شیرین خدایاری

بزرگوارم که دو امداد رسید، عوامل کدیر KGB در آنجا بودند.  
لذا به نظر من سابقا گاهی در این مورد است اقدامات زیر صورت گرفت  
۱- تعقیب من بکلیت در یک کمیته کنترل وزارت  
۲- تعقیب من بکار مدرسه تحت کنترل وزارت  
۳- من بکلیت بوزارت سابقا

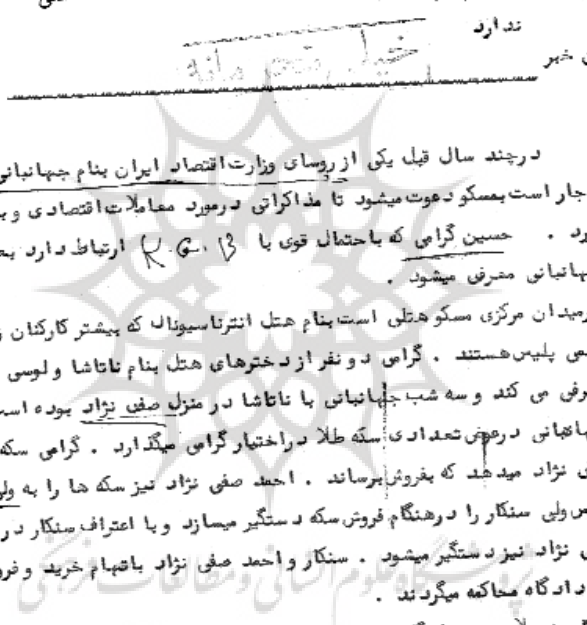
کلیت بکلیت محرم احکامات با ترجمه در وضع حاضر نموده ام که  
شروع کرد

پروفسور گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سری

صفحه شماره يك	از	صفحه ۷- منبع	گنار
نسخه شماره	از	نسخه ۸- منشا	
۱- به	۳۳۲	۹- تاریخ وقوع	
۲- از	<del>۳۳۲</del> <b>۱۰۵</b>	۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع	
۳- شماره گزارش	۴۳۶	۱۱- تاریخ رسیدن خبر به برهبر عملیات محل	
۴- تاریخ گزارش	۲۰۳۰/۴/۷	۱۲- ملاحظات حفاظتی	
۵- پیوست	ندارد		
۶- گیرندگان خبر			


  
 خشیانی نسیم روانه

در چند سال قبل یکی از روسای وزارت اقتصاد ایران بنام جهانپانی که از خانواده تاجار است بمسکو دعوت میشود تا مذاکراتی در مورد معاملات اقتصادی و بازرگانی بعمل آورد. حسین گرامی که با احتمال قوی با K. G. B ارتباط دارد بعنوان راهنمای جهانپانی معرفی میشود.

در میدان مرکزی مسکو هتل است بنام هتل انترناسیونال که بیشتر کارکنان زن آن اعضا رسمی پلیس هستند. گرامی دو نفر از دخترهای هتل بنام ناتاشا ولوسی را به جهانپانی معرفی می کند و سه شب جهانپانی با ناتاشا در منزل صفی نژاد بوده است.

جهانپانی در عرض تعدادی اسکنه طلا در اختیار گرامی میگذازد. گرامی سکه ها را به احمد صفی نژاد میدهد که بفروشان برساند. احمد صفی نژاد نیز سکه ها را به ولی سنکار میدهد. پلیس ولی سنکار را در هنگام فروش سکه دستگیر میسازد و با اعتراف سنکار در اداره پلیس احمد صفی نژاد نیز دستگیر میشود. سنکار و احمد صفی نژاد با قهقام خرید و فروش و حمل قاچاق در دادگاه محاکمه میگرددند.

سنکار به صلاحیت دادگاه اعتراض و اظهار میدارد این دادگاه صلاحیت محکمه ندارد ضمناً شمار لسه شاهنشاه میدهد. در نتیجه چند نفر افراد مخصوص پلیس سنکار را از طبقه های بالای ساختمان به پائین پرتاب و سنکار چند روز در بیمارستان بستری میگردد.

سنکار که مهندس الکترونیک است شدیدا با روسها مخالف است و تاکنون پرونده های متعددی برای او تهیه نموده و چند سال در زندان سیبری بوده است. K. G. B

خشیانی نسیم روانه

خیلی معتبر است

۱۷/۵/۳۵

په - ریاست اداره ۱۱۰

از - نجف ۸۱۱ دایره ۶

درباره - بزرگان جوانی

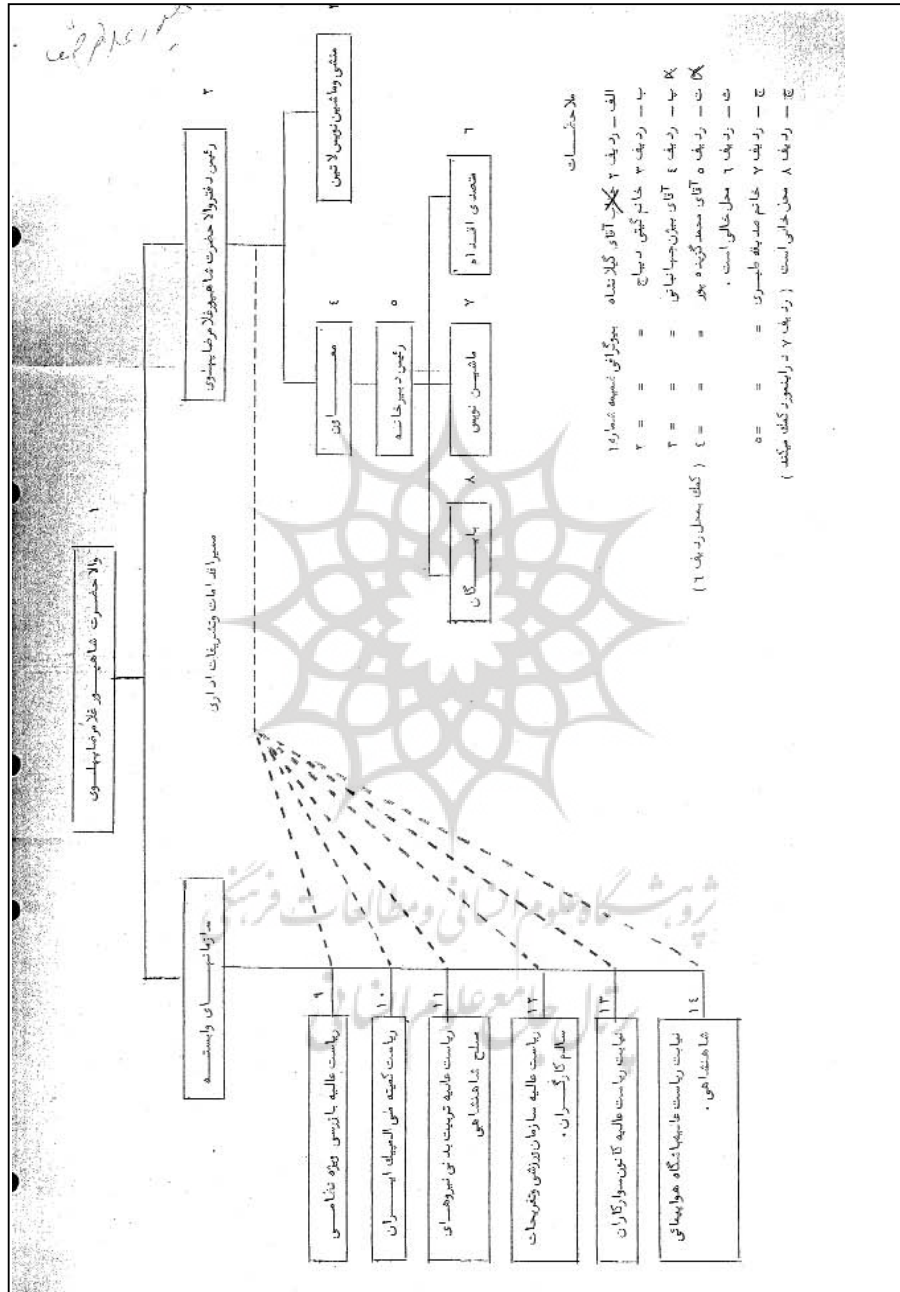
موضوع: بزرگان جوانی. نامبرده بالا عضو هیئت مدیره رستوران  
 و بافندگی کمرج متعلق به ولا حضرت سید هیدر خلامرضای پهلوی میباشد  
 که اولین بار در تاریخ ۱۴/۶/۶۶ همراه امیر اعزان یکی دیگر از اعضاء  
 هیئت مدیره شرکت نزر بر هیئت شرکت در تاریخ ۱۴/۶/۶۶ در انجام معاملات  
 بازرگانان بگرددی مسافرت و در تاریخ ۲۹/۶/۶۶ به ایران مراجعت نموده است  
 مداریک محمد آ در سالهای ۴۷ - ۴۸ - ۴۹ - ۵۱ - ۵۲ - ۵۳ و ۵۴  
 از طرف شرکت نزر بر و منظور انجام فزائراس بازرگانان بگرددی  
 میباشد.

فرد در کتب داران برونه انفرادی بکلاس ۱۲۲۲ سلیمان در باغیانی  
 اداره کل مستقیم میباشد. بر است. علت آنکه فرد در کلاس لاسر  
 بوضی است. *رتال جامع* این مورد قضا و نه بکار به بنای در دست گرفتن  
 در هیئت مدیره بزرگان جوانی در تاریخ ۱۴/۶/۶۶ از او کتبی که اسامی بزرگان  
 در کلاس است. *بر کلاس*  
 ۵۱۷  
 سوابق امر حال است. در هیئت مدیره  
 تحقیق از شما را در این فعل نام دارد.  
 خیلی معتبر است

۸۸۸۸۸۸۸۸

۲۸۵

خلاصه مطالعات آرایشی



گزارش

در محافل وابسته به دربار شاهنشاهی گفته میشود چون اخیراً "اهلکان" تعداد سیاسی بین دولتمندان انگلیس و آمریکا به مرحله قطعی رسیده لذا از هم اکنون هر یک از دول مذکور برای جلب نظر یکی از اعضای خاندان جلیل سلطنت به فعالیت پرداخته اند .

دولت آمریکا در صدد تحریک و جلب نظر والا حضرت شاه پور عبدالرضا پهلوی برآمده و والا حضرت شاهدخت فاطمه پهلوی خواهر والا حضرت نیز با مقامات آمریکائی و معطله میباشند .

مقامات انگلیسی نیز با والا حضرت شاه پور غلامرضا پهلوی که برادر ارشد شاهنشاه و از خاندان بوده تا جرمی میباشند و در اصل اختلاف خانوادگی ( همسر سابق والا حضرت ) از شاهنشاه آزرده خاطر گردیده . دوستی و رابطه نزدیکی برقرار نموده و حتی بطریق مختلف از جمله شرکت دادن معطله در امر ستاپامه کاری رضایت خاطر ایشان را فراهم مینمایند .

والا حضرت نیز با توجه به اوضاع سیاسی کشور هر یک سعی مینمایند توجه محافل و مقامات مذکور را بسوی خود جلب و تأیید آنان را تأمین نمایند .

منبع - موشق

ارزش خبر سه تا یید شده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی